



رئیس باند دزدان خودروی تهران از شکستن توبه‌اش پرده برداشت
مدرک فوق دکترای سرقت از زندان
من ۳۹ سال دارم و تا امروز حدود ۱۲ سال سابقه زندانی شدن به دلایل مختلف دارم

زندان بودم که در کلاس درس دزدان حرفه‌ای مدرک فوق دکترای سرقت گرفتم و بعد از آزادی پای در دنیای مخفی دزدان گذاشتم.

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

این دختر و باندها مردان را به خلوتگاه می‌کشاندند



پرونده

معصومه مرادپور
خبرنگار

فربیا ۲۱ ساله که از کودکی پای بساط پدرش، قد کشیده، می‌گوید: با دوستم نقشه اخاذی از مردان هوسران را می‌کشیدیم و بعد در یک موقعیت مناسب با جاقو از آنها اخاذی می‌کردم. ... به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از وقتی کلید خورد که فربیا با غلاف‌های جاقوی عجیب غریبی که به دور کمرش بسته بود به دایره جنایی استان البرز رفت و خیلی صریح و واضح گفت من آدم کشته‌ام. ...
رئیس دایره جنایی که از شنیدن چنین جمله‌ای شوکه شده بود نگاهی به فربیا کرد و یکی از افسران جنایی‌اش را صدا زد.

با به فرار گذاشت. راننده پراید مشکلی هم خلی زود از آن محل متواری شد، سه روز بعد بود که خودروام در نظرآباد کشف شد درحالی که شدت تخریب شده بود و اموال داخل آن به سرقت رفته بود. به خاطر سرقت مدارکی که داخل خودروو داشتند صدمات زیادی به من وارد شد و حالا از آنها شکایت دارم.

شاکتی دیگر پرونده که یک پسر دانشجو بود در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: من به تهران رفته بودم که موقع برگشت زنی جوانی همراه دوستش به عنوان مسافر سوار خودروام شدند، به خاطر تأمین مخارج تحصیلم برخی اوقات مسافرتی می‌کردم. این دوزن از من خواستند که برای سوار کردن دوستشان به شهرک چهارم بروم. وقتی به آنجا رسیدیم مرد جوانی سوار شد، وقتی متوجه شدم که مقصد آنها

دختر جوان که نسبتاً هیکل بزرگی داشت روی صندلی که به زور روی آن جا می‌شد مقابل افسر پرونده نشست و گفت وقت حرف زدن ندارم، چنانچه مردی در خانه من است که می‌ترسم یو بگیرد. ...

این جمله تمام نشده بود که تیم ویژه‌ای از کاراگاهان جنایی راهی خانه این دختر جوان شدند. وقتی مأموران پلیس وارد خانه شدند با جسد مردی موبور روبه‌رو شدند که در اتاق پذیرایی افتاده بود، خیلی زود بازپرس کشیک قتل راهی این خانه شد و در نخستین گام جسد مرد ۴۸ ساله با دستنور بازپرس جنایی راهی پزشکی قانونی شد تا علت مرگ او مشخص شود. با اقرار این دختر جوان و رازکسای‌اش سه همدستش نیز دستگیر شدند. فربیا که با همدستانش عامل جنایت شناخته شده بودند در شعبه یکم دادگاه کیفری البرز پای میز محاکمه ایستادند، این دختر که

بیش از ۱۰ اتهام در پرونده‌اش به چشم می‌خورد در برابر دادرسان دادگاه کیفری ایستاد و تراژدی دردناکی از زندگی‌اش را به قضات توضیح داد. در آغاز جلسه قاضی دهقان نماینده دادستان با اشاره به متن کیفرخواست متهم ردیف اول - فربیا گفت: بر اساس کیفرخواست صادره فربیا با بیش از ۱۰ اتهام از جمله مشارکت در قتل، مشارکت در سه زورگیری، تشکیل خانه فساد، تهیه فیلم مستهجن از یکی از قربانیان، نگهداری و حمل افشانه غیرقانونی، ایراد ضرب و جرح و ... روبه‌رو است و خواستار مجازات شایسته و قانونی از محضر دادگاه هستم. سپس مادر و دختران مقتول در جایگاه ایستادند و با طرح شکایت خواستار قصاص عاملان قتل شدند.

دختر مقتول گفت: این افراد با دسیسه قبلی برای تصاحب خودروی مدل بالای پدرم او را به مخفیگاه خود کشاندند و با ضرب و جرح او را به شدت زخمی کرده و باعث قتل وی شدند. سپس یکی دیگر از شاکتی‌های پرونده گفت: من راننده کامیون هستم، یک روز با خودروی تازه‌ای که خریدم بودم از حوالی قلعه حسن خان در حال عبور بودم که زن جوانی مقابل خودروی من دست تکان داد و ادعا کرد شوهرم مرا کتک می‌زند، لطفاً کمک کنید و مرا به خانه پدرم برسانید. من هم ایستادم، او سوار شد و کمی جلوتر پراید مشکلی رنگی ایستاده بود. من حرکت کردم و خودروی پراید هم راه افتاد، زن جوان گفت راننده خودروو من زید بعد راننده پیاده شد و با لگد به در خودروی من کوبید، ناگهان همین زن به طرف من آمد و با جاقویی که در دستش بود انگشتانم را زخمی کرد. وی ادامه داد: در حالی که داشتم پیاده می‌شدم تا از خودم دفاع کنم زن جوان خودروو را زدند و

اتهای شهر کرج است کمی مظنون شدم برای همین دور زدم و به مسیری که آنها می‌خواستند نرفتم. در همین هنگام بود که فربیا جاقویی شبیه قداره زیرگردنم گذاشت و مرا تهدید کرد. من خیلی زود ترمزدستی را کشیده‌ام و از ماشین خودم راه بیرون پرت کردم چون به نقشه آنها پی برده بودم. اما خودروو را دزدیدند و سه روز بعد آن را در حالی پیدا کردند که همه وسایل داخلش سرقت شده بود و حدود ۱۱ میلیون هم به من خسارت زده بودند. بعد از این اظهارات باورکردنی، فربیا با دستنور رئیس دادگاه پشت میز محاکمه قرار گرفت تا به سوالات هیأت قضایی پاسخ دهد.

از او سؤال شد چند سال داری که پاسخ داد متولد سال ۷۶ هستم. هنوز بیست و شش ساله نشده‌ام. رئیس دادگاه از او خواست که ماجرای قتل مرد مکانیک را توضیح بدهد. فربیا گفت: من حدود دو سال پیش برای گرفتن گواهینامه به حسن‌آباد رفته بودم که در بین راه سوار خودروی شدم و راننده سر صحبت را باز کرد. شماره‌ام را از من گرفت و بعد مرا به

مردان شرور که در درگیری مسلحانه عابر بیگانه را به قتل رساندند، به دام قاتل افتادند. به گزارش «ایران»، اولین روز اردیبهشت امسال جوان ۲۰ ساله‌ای به نام بشیر در حال عبور از میدان اینترگران شهرک ولیعصر مورد اصابت گلوله اشراق قرار گرفت و جان خود را از دست داد. رسیدگی به موضوع دردستور کار محمدرضا صاحب جمعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای

تی‌ترها

روایت دردناکی که باورکردنی نیست

نامهربانی میهماندار هواپیما با پسری که وقت عمل داشت



امیراحسان پایش بین پره‌های چرخ موتورسیکلت پدرش گیر کرد، حتی نمی‌توانید تصور کنید که چقدر وحشتناک است. بچه هفت ساله را با همه کمبودها در کرمان از قطع پا نجات دادیم.

۴ قتل عام خانوادگی در جمعه سیاه

۴ جنایت و قتل عام خانوادگی در روز جمعه را می‌توان جزو تلخ‌ترین حوادث جنایی دانست که زنگ هشدار را به صدا درآورده است و کارشناسان و ارگان‌های مسئول باید ریشه‌یابی و برای پیشگیری از تکرار چنین جنایات خانمانسوزی چاره‌جویی کنند.



جزئیات حمله خونین به یک روحانی در قم

فرمانده انتظامی شهرستان قم با اشاره به جزئیات حمله با جاقو به یک طلبه در قم گفت: طلبه مضرور از اتاق عمل خارج شده و تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارد.

داماد چاره‌ای جز ترک عروس نداشت

التماس‌های نوعروسی به ۳ شیطان جلوی چشمان نامزدش

پسر جوانی با همدستی دایمی و دوستش، نوعروسی را در برابر چشمان نامزدش هدف نیت شوم خود قرار دادند.

چگونه قاتل زنجیره‌ای نزد روانشناس اعتراف کرد!



قسمت دوم

خانه شیطان

در شماره گذشته خواندید که فردی به نام تودورو ارباب باندی که در یکی از خانه‌های مادران مجرد به دنیا آمده بود و سال‌ها به دنبال هویت گمشده و شناسایی پدرش بود شروع به انجام قتل‌های سریالی کرد. طعمه‌های او زنان جوان بودند.

دختر جوان که نسبتاً هیکل بزرگی داشت روی صندلی که به زور روی آن جا می‌شد مقابل افسر پرونده نشست و گفت وقت حرف زدن ندارم، چنانچه مردی در خانه من است که می‌ترسم یو بگیرد. ...



اتهام
دختری که بیش از ۱۰ اتهام در پرونده‌اش به چشم می‌خورد

گفت‌وگو با دختر قداره کتک

چقدر درس خواندی؟ خیلی کم و در حد خواندن و نوشتن!

شش‌ده‌ه‌ام برای توبه در زندان دست به کار شدی، توضیح می‌دهی؟
از وقتی پام به زندان رسیده و تحت تأثیر برنامه‌های فرهنگی داخل زندان قرار گرفتم تصمیم گرفتم توبه کنم تا دیگر دست به خلاف نزنم.

چه کار می‌کنی؟ درس می‌خوانم و از این کار لذت می‌برم. می‌خواهم اقتدر درس بخوانم تا آدم باشم و مثل آدم زندگی کنم. ...

از کودکی ات تعریف کن، پدر و مادرت کجا هستند؟ من کودکی خوبی

دستگیری اشراق شهرک ولیعصر به اتهام قتل عابر بیگانه

جنایی تهران قرار گرفت و در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که مقتول کارگر کارگاه میل‌سازی در بافت آباد بوده که روز حادثه بعد از پایان کارش، به همراه رفیق خود عازم خانه‌اش بود. در همان موقع عده‌ای ارادل و اوپاش با یکدیگر درگیر شده و با خودروو همدیگر را دنبال کرده و کل می‌کردند که یکی از آنها اسلحه کشیده

مردان شرور که در درگیری مسلحانه عابر بیگانه را به قتل رساندند، به دام قاتل افتادند. به گزارش «ایران»، اولین روز اردیبهشت امسال جوان ۲۰ ساله‌ای به نام بشیر در حال عبور از میدان اینترگران شهرک ولیعصر مورد اصابت گلوله اشراق قرار گرفت و جان خود را از دست داد. رسیدگی به موضوع دردستور کار محمدرضا صاحب جمعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای

